

تاکتیک‌های عملیات روانی مؤثر در شکل‌گیری صلح امام حسن(ع)

حمیدرضا حاتمی*، اسماعیل خان‌احمدی**

چکیده

ابعاد روانی و فیزیکی وجود انسان ضرورت کاربرد دو قدرت شمشیر و فکر - اقدام مستقیم نظامی و عملیات روانی - را در جنگ‌ها برای کسب پیروزی بر دشمن مطرح ساخته است. عملیات روانی به مثابه اقدامی در جهت تأثیر بر ذهن و عواطف آدمی برای ایجاد تغییر در رفتار او یا به پای رزم نظامی بلکه مقدم بر آن با حوزه نظامی گسترده و حوزه مکانی فراگیر و همه‌جانبه صورت می‌گیرد. طبق آیات و روایات عملیات روانی در دو جبهه حق و باطل ابتدا از سوی دشمنان پیامبران الهی و ائمه معصومین(ع) در ابعاد گوناگون و متنوع طرح‌ریزی و اجرا شد، اما با آغاز رسالت پیامبر اکرم(ص) به ویژه در دوران حکومتشان در مکه و در پوشش تهاجمی همه‌جانبه و گسترده (به کارگیری همه تاکتیک‌ها) برای نفی دعوت پیامبر اسلام(ص) و خاموش کردن ندای حق‌طلبی و عدالت‌خواهی او به کار گرفته شد که قرآن از آن با عناوینی چون کید و مکر و ... نام می‌برد. در این دوران به دلیل نوظهور بودن اسلام و شور و هیجان مسلمین، عملیات روانی دشمنان کاربرد مورد انتظار آنان را نداشت، لیکن با رحلت پیامبر اکرم(ص) منافقین، کفار و مشرکین با توجه به تجربه‌ای که از این شیوه جنگ داشتند به صورت گسترده از آن علیه جبهه حق استفاده کردند. یکی از مقاطعی که این جنگ توسط جبهه کفر به صورت وسیع، پیچیده و با ظرافت به کار گرفته شد و تأثیری چشمگیر در جبهه حق داشت دوران امامت و خلافت امام حسن مجتبی(ع) بود. این مقاله، جهان اسلام را از دو بُعد وضعیت روحی روانی امت اسلام در آن دوران و روحیات معاویه به عنوان طراح و مجری این جنگ مورد بررسی قرار می‌دهد. گفتنی است نوشتار حاضر که نتیجه یک طرح پژوهشی است، ماهیتی توصیفی - تحلیلی داشته و داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از تارنماهای اینترنتی گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: امام حسن(ع)، جهان اسلام، جبهه کفر، عملیات روانی، تاکتیک‌ها.

عملیات روانی از کارآمدترین، پیچیده‌ترین، پویاترین و در عین حال خطرناک‌ترین جنگ‌ها به شمار می‌رود که در طول تاریخ همواره جبهه کفر و شرک و نفاق برای خاموش کردن نور هدایت الهی و هدایت و رهبری مردم به سوی گمراهی و ضلالت از آن استفاده نموده است؛ در این خصوص قرآن کریم می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ». کسانی که کافر شدند و رهبری آنها طاغوت‌ها شد (با شاعرهای فریبنده) آنها را از نور به سوی تاریکی‌ها (کفر و جهل) می‌کشاند و آنها اهل آتشند و در آتش همیشه می‌مانند (بقره/۲۵۷).

این جنگ به عنوان بهترین شیوه تحقق اهداف سران جبهه کفر از ابتدای شکل‌گیری دو جبهه حق و باطل توسط کارگزاران جبهه کفر با توجه به شرایط روحی و روانی جامعه مورد نظر طراحی و اجرا شده است. قرآن کریم به نمونه‌هایی از اجرای این جنگ و تاکتیک‌های مورد استفاده آن توسط طاغوت‌ها علیه پیامبران الهی اشاره می‌کند که در پیشینه تحقیق به بخشی از آنها اشاره می‌شود. با ظهور اسلام در جزیره‌العرب و تهدید گسترده منافع جبهه استکبار، رهبران آن جبهه از این شیوه جنگ و تاکتیک‌های آن به صورت وسیع و به شکلی پیچیده‌تر استفاده کردند. با رحلت پیامبر اکرم (ص) و تغییر عمده در مسیر حرکت جهان اسلام، بنی‌امیه با کینه‌ای که از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت آن حضرت داشت، از این جنگ و تاکتیک‌های آن علیه ائمه معصومین (ع) استفاده کرد که تاریخ کمتر نمونه آن را ثبت نموده است؛ اوج استفاده از این جنگ و تاکتیک‌های آن در دوران امام حسن (ع) به ظهور رسید. شاید به جرئت بتوان گفت در دوران امامت امام حسن مجتبی (ع) معاویه تمام تاکتیک‌هایی را که نمرود، فرعون، ابوسفیان و سایر سران کفر بر علیه جبهه حق به کار گرفتند به صورت یکجا به کار گرفت که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

بیان مسئله

صلح امام حسن (ع) از حوادث تلخ تاریخ تشیع است. شکل‌گیری این حادثه متأثر از دو عامل مهم و اساسی است: یکی وضعیت روحی و روانی مردم مناطقی همچون کوفه، مدینه، مدائن، بصره و سایر شهرهایی که مکلف به یاری امام و اطاعت از فرامین ایشان بودند و دیگری قدرت و توان اجرای عملیات روانی خاندان بنی‌امیه که در اجرای چنین اقداماتی تجربه و توانایی بالایی داشتند. مقاله حاضر در نظر دارد با بررسی وضعیت

روحی و روانی مردم تحت حکومت امام حسن(ع) و ویژگی‌های شخصیتی (سربازان، مدیران میانی و خواص) جامعه آن مقطع میزان تأثیرگذاری تاکتیک‌های این جنگ را بر مردم آن دوره بررسی کند. همچنین با بررسی ویژگی‌های شخصیتی خواص دو جبهه حق و باطل در آن دوران با بهره‌گیری از روش مطالعه کتابخانه‌ای نقش تاکتیک‌های عملیات روانی در شکل‌گیری این حادثه تلخ را مورد مطالعه قرار دهد.

پیشینه موضوع

عملیات روانی در زندگی اجتماعی انسان قدمتی به بلندای حیات او دارد؛ زیرا از همان زمان شکل‌گیری زندگی اجتماعی، انسان همواره برای حذف رقبای خود در تعاملات اجتماعی از تاکتیک‌های این عملیات به صورت گسترده استفاده کرده است. اما در بعضی از زمان‌ها شدت و میزان استفاده از این تاکتیک‌ها به لحاظ فراهم بودن شرایط روحی و روانی مردم جامعه کاربرد بیشتر و بهتری داشته است. نمونه‌هایی از کاربرد این جنگ و تاکتیک‌های آن را قرآن کریم چنین تبیین می‌کند: تاکتیک تهدید:

«قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ» ای نوح اگر به تبلیغ خود پایان ندهی بی‌تردید سنگسار خواهی شد (شعر/۱۱۶).

در جای دیگر در خصوص بهره‌گیری سران جبهه کفر از تاکتیک تهمت چنین می‌فرماید: «إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فُتَرَبِّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ» مردی است که دیوانگی به او سرایت کرده؛ مدتی با او بردباری کنید شاید عاقل شود (مؤمنون/۲۵).

در جای دیگر در استفاده نمود از تاکتیک تردید علیه حضرت ابراهیم(ع) چنین می‌فرماید: «قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ» به راستی برای ما از حق می‌گویی یا ما را به بازی گرفته‌ای (انبیاء/۵۵).

پیشینه تحقیق

با بررسی‌هایی که به عمل آمد مشخص شد تاکنون موضوعی تحت عنوان تاکتیک‌های عملیات روانی مؤثر در شکل‌گیری صلح امام حسن(ع) به عنوان کار پژوهشی صورت نگرفته است و این کار یک فعالیت پژوهشی جدید به شمار می‌رود. اما با مطالعاتی که صورت گرفته کتاب‌های فراوانی درباره صلح امام حسن(ع) به رشته تحریر در آمده که بعضی از منابع به بررسی عوامل (اما نه تحت عنوان تاکتیک‌های عملیات روانی در

شکل‌گیری صلح) پرداخته‌اند. برخی از کتاب‌ها عبارتند از:

- ۱- احمد بن محمد بن سعید بن عبدالرحمن السیبی الهمدانی؛ صلح الحسن (ع) و معاویه؛ ۳۳۳ هجری.
- ۲- عبدالرحمن بن کثیر الهاشمی؛ صلح الحسن (ع).
- ۳- ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال بن عاصم بن سعد بن مسعود الثقفی؛ قیام الحسن (ع)؛ متوفی سال ۲۸۳ هجری.
- ۴- هشام بن محمد بن السائب؛ قیام الحسن (ع).
- ۵- عبدالعزیز بن یحیی الجلودی البصری؛ ماجرای حسن (ع).
- ۶- هیثم بن عدی الثعلبی؛ اخبار الحسن (ع) و وفاته، ۲۰۷ هجری.
- ۷- ابی اسحاق ابراهیم بن محمد الاصفهانی الثقفی؛ اخبار الحسن بن علی (ع).
- ۸- شیخ راضی آل یاسین؛ صلح امام حسن (ع)؛ مترجم آیت الله العظمی نایب الامام خامنه‌ای، چاپ یازدهم، ۱۳۶۵.

سؤالات تحقیق

در راستای جمع‌آوری اطلاعات پیرامون موضوع مورد مطالعه دو سؤال زیر قابل طرح است: نخست: شرایط روحی و روانی مردم کوفه و مدینه و... چه وضعیتی داشت که شامیان نسبت به آن طمع ورزیدند و تاکتیک‌های عملیات روانی را در آن مناطق کارآمد یافتند؟ دوم: شامیان (بنی‌امیه) چه تاکتیک‌های عملیات روانی را به‌کار بردند که موفق به تحمیل چنین صلحی شدند؟ در این نوشتار سعی می‌شود با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای از اسناد و مدارک موجود در منابع اسلامی به دو سؤال یاد شده به عنوان یک طرح پژوهشی، پاسخی مستدل و منطقی عرضه شود.

سؤال نخست

شرایط روحی و روانی مردم کوفه، بصره، مدینه، مدائن و... چه وضعیتی داشت که شامیان نسبت به آن طمع ورزیدند و تاکتیک‌های عملیات روانی را در آن مناطق کارآمد یافتند؟ در دوران امامت و خلافت امام حسن (ع) بنی‌امیه با بهره‌گیری از عملیات روانی تلاش کرد در بافت فکری و ذهنی، علایق، انگیزه، رفتار و گفتار مردم عراق، حجاز و شامات تأثیر گذاشته و آنها را به سوی اهداف مورد نظر هدایت کند. آنها با اجرای عملیات روانی کوشیدند اوضاع

را نابه‌سامان جلوه داده، شرایط را برای ضربه زدن به حکومت امام حسن (ع) به وجود آوردند تا مقدمات جولان و تاخت و آینه‌ای این قوم (بنی‌امیه) فراهم شود. با توجه به این هدف شیطانی بنی‌امیه، برای تعیین تأثیرات عملیات روانی در شکل‌گیری این حادثه تلخ و ناگوار، بررسی وضعیت بلاد تحت حکومت امام مجتبی (ع) به صورت مختصر ضرورت دارد. اما پیش از بررسی وضعیت مناطق یاد شده، تبیین و توصیف جایگاه نیروهای مسلح ضرورت دارد تا از این منظر علاوه بر تبیین نقش تاکتیک‌های عملیات روانی در این حادثه، توصیف وضعیت روحی و روانی مناطق یاد شده و تأثیر آن بر شکل‌گیری آن حادثه بهتر امکان‌پذیر باشد. حضرت علی (ع) در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه در خصوص جایگاه نیروهای مسلح در نظام سیاسی اسلام چنین می‌فرماید: «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَ زِينُ الْوَلَاةِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقُومُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ». اما لشکرها، به فرمان خدا دژهای استوار رعیت‌اند و زینت والیان. دین به آنها عزت یابد و راه‌ها به آنها امن گردد و کار رعیت جز به آنها استقامت نپذیرد (دستی ۱۳۷۹: نامه ۵۳). این سخن حضرت علی (ع) به بهترین وجه دلیل شکل‌گیری این حادثه را تبیین می‌کند؛ زیرا در دوران خلافت امام حسن (ع) این زینت والیان و عزت دین و دژهای مستحکم مردم به صورت واقعی وجود نداشت.

الف) وضعیت کوفه: کوفه شهری بود با طبقات اجتماعی و انگیزه‌های سیاسی متفاوت که این وضعیت منجر به بروز عکس‌العمل‌های متضاد از طرف مردم آن بلاد شد. حضرت علی (ع) که در مناسبت‌های مختلف برای انجام اقدامات سرنوشت‌ساز این مردم را به یاری طلبید کوفه را چنین توصیف می‌نماید:

«أَيُّهَا النَّاسُ الْمُجْتَمِعَةُ أَيْدَانُهُمْ، الْمُخْتَلِفَةُ أَهْوَاؤُهُمْ، كَلَامُكُمْ يُوْهِى الصَّمَّ الصَّلَابَ وَ فِعْلُكُمْ يُطْمَعُ فِيكُمْ الْأَعْدَاءُ! تَقُولُونَ فِي الْمَجَالِسِ كَيْتَ وَ كَيْتَ فَإِذَا جَاءَ الْقِتَالُ قُلْتُمْ حَيْدِي حَيْدِي مَا عَزَّتْ دَعْوَةٌ مِنْ دَعَاكُمْ وَ لَا اسْتِرَاحَ قَلْبٌ مِنْ قَاسَاكُمْ، أَعَالِيلُ بِأَضَالِيلِ دَفَاعَ ذِي الدِّينِ الْمَطُولِ، لَا يَمْنَعُ الضَّيْمَ الدَّلِيلُ وَ لَا يَدْرِكُ الْحَقُّ إِلَّا بِالْجِدِّ أَيْ دَارِ بَعْدَ دَارِكُمْ تَمْتَعُونَ وَ مَعَ أَيِّ إِمَامٍ بَعْدِي تَقَاتِلُونَ الْمَغْرُورَ وَ اللَّهُ مِنْ غَرَرْتُمُوهُ وَ مَنْ فَازَ بِكُمْ فَقَدْ فَازَ وَاللَّهِ بِالسَّهْمِ الْأَخِيْبِ وَ مَنْ رَمَى بِكُمْ فَقَدْ رَمَى بِأَفْوَقِ نَاصِلِ، أَصْبَحْتُ وَ اللَّهُ لَا أَصْدَقُ قَوْلَكُمْ وَ لَا أَطْمَعُ فِي نَصْرِكُمْ وَ لَا أَوْعِدُ الْعَدُوَّ بِكُمْ مَا بِالْكُمْ؟ مَا دَوَاؤُكُمْ؟ مَا طِبُّكُمْ؟ الْقَوْمُ رَجَالٌ أَمْثَالِكُمْ أَقْوَلًا بَغَيْرِ عِلْمٍ؟ وَ عَقْلُهُ مِنْ غَيْرِ وَرَعٍ! وَ طَمَعَا فِي غَيْرِ حَقٍّ؟» ای مردمی که به تن‌ها مجتمعید و به آراء پراکنده. سختان - هنگامی که لاف دلیری می‌زنید - صخره‌های سخت را نرم می‌کند، در حالی که، کردارتان دشمنانتان را در شما به طمع می‌اندازد.

چون در بزم نشینید، دعوی رزم‌آوری کنید و چون جنگ چهره نماید، از آن می‌گریزید. دعوت آن کس که شما را فراخواند، روی پیروزی نبیند و آنکه برای راحت شما خویشتن را به تعب افکند، هرگز به راحت و آرامش نرسد. مثنی اباطیل را بهانه می‌کنید تا در کار تعلق ورزید. همانند وامداری که پیوسته ادای دین خویش به تأخیر اندازد. دلیل سرکوفته، از خود دفع ستم نتواند کرد که حق جز در سایه کوشش فراچنگ نیاید اگر خانه شما را بستانند، کدام خانه را از دشمن حمایت خواهید کرد؟ و بعد از من با کدام امام با دشمن پیکار می‌کنید به خدا سوگند، فریب‌خورده^۱ کسی است که شما او را به وعده^۲ دروغ بفریبید. هر که پندارد که به نیروی شما پیروز می‌شود، همانند کسی است که آن تیر از تیرهای قمار نصیب او شود که سودش از همه کمتر است و هر که شما را چون تیر به سوی دشمن افکند، تیر شکسته بی‌پیکان را در کمان رانده. به خدا سوگند، به جایی رسیده‌ام که دیگر سخن شما را باور نمی‌کنم و به یاری شما امید نمی‌بندم و دشمن را به شما بیم نمی‌دهم. شما را چه می‌شود داری درد شما کدام است؟ علاج شما چگونه است. دشمنان شما نیز مردمی همانند شمایند. آیا هرچه گفتید، همه از روی نادانی بود؟ یا از سر غفلت و ناپرهیزگاری؟ یا در چیزیی که حق شما نبود طمع ورزیده بودید؟ (خطبه ۲۹: فراز ۳-۵).

ب) وضعیت مدینه: مردم این منطقه پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) با توجه به سفارشات حضرت در خصوص جایگاه اهل بیت، بیعت^۲ خود را شکستند و این بیعت‌شکنی تا واقعه عاشورا ادامه داشت. حضرت علی(ع) در نامه ۷۰ خطاب به والی مدینه، مردم این منطقه را چنین معرفی می‌نمایند:

«أَمَّا بَعْدُ، فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِمَّنْ قَبْلَكَ يَتَسَلَّلُونَ إِلَيَّ مُعَاوِيَةَ، فَلَا تَأْسَفْ عَلَيَّ مَا يَفْعُو تَكَ مِنْ عَدَدِهِمْ، وَ يَذْهَبُ عَنْكَ مِنْ مَدَدِهِمْ، فَكَفَى لَهُمْ غِيَاً وَ لَكَ مِنْهُمْ شَافِيَا فِرَارُهُمْ مِنْ الْهُدَى وَ الْحَقِّ، وَ إِضَاعَهُمْ إِلَى الْعَمَى وَ الْجَهْلِ، وَ إِنَّمَا هُمْ أَهْلُ دُنْيَا مُقْبِلُونَ عَلَيْهَا، وَ مُهْطِعُونَ إِلَيْهَا، وَ قَدْ عَرَفُوا الْعَدْلَ وَ رَأَوْهُ وَ سَمِعُوهُ وَ وَعَوْهُ وَ عَلِمُوا أَنَّ النَّاسَ عِنْدَنَا فِي الْحَقِّ أَسْوَةٌ، فَهَرَبُوا إِلَى الْأَثَرِ، فَبَعْدًا لَهُمْ وَ سُخْفًا» اما بعد، به من خبر رسید که برخی از مردانی که در فرمان تو، پنهانی، به نزد معاویه می‌گریزند. غمگین مباش اگر از شمار سپاهیان کاسته می‌شود یا یاری شماری از ایشان را از دست می‌دهی. کیفر ایشان همین بس که به گمراهی افتاده‌اند و تو از زحمتشان رهایی یافته‌ای. آنان از هدایت و حق گریخته‌اند و به نابینایی و نادانی افتاده‌اند. اینان، یاران دنیا بودند و به دنیا روی آوردند و به سوی آن

1. Deceit 2. Allegiance

شناختند. حکومت عدل ما را دیدند و شناختند و آوازه آن را شنیدند و به گوش سپردند. دریافته بودند که در اینجا مردم در برابر حق و عدالت برابرند. پس گریختند تا مگر خود به سودی برسند. خداوند ایشان را از رحمت خود دور گرداند (نامه ۷۰: فراز ۱).

ج) وضعیت بصره: این شهر هم وضعیتی همانند مدینه و کوفه حتی به مراتب بدتر داشت. حضرت علی(ع) با توجه به عکس‌العمل‌های زشت و ننگینی که مردم این دیار در مقابل امام خود نشان دادند به مناسبت‌های مختلف در خطبه‌ها مردم این دیار را چنین معرفی می‌کند:

«أَخْلَافُكُمْ دِقَاقٌ، وَ عَهْدُكُمْ شِقَاقٌ، وَ دِينُكُمْ نِفَاقٌ، وَ مَاؤُكُمْ زُعَاقٌ، وَ الْقَمِيمُ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ مُرْتَهَنٌ بِدَنِيهِ، وَ الشَّاحِصُ عَنْكُمْ مُتَدَارِكٌ بِرَحْمِهِ مِنْ رَبِّهِ» خلق و خویتن همه فرومایگی است. پیمان‌هایتان گسستنی است و دینتان دورویی است و آبتان شور است. آن کس که در میان شما زیست کند گرفتار کیفر گناه خویش است و آنکه از میان شما رخت بربندد، به رحمت پروردگارش رسیده است. در قسمت‌های دیگر از این خطبه می‌فرماید: «فِي رِوَايَةٍ وَ أَيْمَ اللَّهِ لَتَعْرِقَنَّ بِلَدَّتِكُمْ حَتَّى كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى مَسْجِدِهَا كَجَوْجُ سَفِينِهِ أَوْ نَعَامِهِ جَائِمِهِ، وَ فِي رِوَايَةٍ كَجَوْجُ طَيْرٍ فِي لُجَّةِ بَحْرٍ» خاک شهر شما بدبوترین خاک‌ها، نه دهم شر و فساد در شهر شما نهفته است. کسی که در شهر شما باشد گرفتار گناه و آن کس که بیرون رود در پناه عفو خداست (همان، خطبه ۱۳). در جای دیگر در خصوص این شهر چنین می‌فرماید: «خَفَّتْ عُقُولُكُمْ، وَ سَفِهَتْ حُلُومُكُمْ فَأَنْتُمْ غَرَضُ لِنَابِلٍ، وَ أَكَلَةُ لِأَكِلٍ، وَ فَرِيَسَةُ لِصَانِلٍ» مردمی سبک‌عقل هستید و بردباریتان سفیهانه. آماج هر تیر بلائید و طعمه هر خوردنده و شکار هر کس که بر شما تاخت آورد (خطبه ۱۴).

د) وضعیت مدائن: وضعیت مدائن طبق اسناد و مدارک از سایر مناطق تحت حکومت امام مجتبی(ع) بسیار بدتر بود. شیخ آل‌یاسین این منطقه را چنین توصیف می‌کند: واحدهایی که آن حضرت در مدائن اردوی خود را از آنها تشکیل داد، از لحاظ روحیه و ایمان از همه سپاهیان او ضعیف‌تر و از جنبه‌های تشنت و تفرقه و دودستگی از همه غیر قابل اطمینان‌تر بودند (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۵، ص ۳۰۱).

ه) وضعیت طوایف و خواص قلمرو حکومت امام حسن(ع): مردم مورد آماج و هدف در عملیات روانی قوم بنی‌امیه در سناریوی تحمیل صلح به امام حسن(ع) به چند گروه تقسیم می‌شوند. در بین این گروه‌ها چند گروه حائز اهمیت می‌باشند که طبق اسناد موجود با تأثیرپذیری از عملیات روانی بنی‌امیه چهار عکس‌العمل را در خصوص وقایع آن دوران نشان

دادند: گروهی کناره‌گیری کردند؛ گروهی به شامیان ملحق شدند؛ گروهی از این آب گل‌آلود قصد صید ماهی داشتند؛ و گروه اقلیت در رکاب امام(ع) باقی ماندند. با توجه به نقشی که این گروه هدف^۱ در شکل‌گیری آن حادثه دلخراش داشتند بررسی وضعیت بعضی از آن گروه‌ها و شخصیت‌ها ضرورت دارد که به صورت مختصر این گروه‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرند تا توصیف و تشریح نقش عملیات روانی بنی‌امیه در شکل‌گیری آن واقعه بهتر فراهم شود.

۱ - **باند اموی:** بزرگ‌ترین وابستگان این باند عبارت بودند از: عمرو بن حرث، عماره بن الولید، حجر بن عمرو، عمر بن سعد، ابو برده پسر ابوموسی اشعری، اسمعیل و اسحاق دو پسر طلحه بن عبیدالله و کسانی دیگر از این ردیف. در این باند، عناصر نیرومند و با نفوذ و دارای پیرو نیز وجود داشتند که در به وجود آوردن موجبات شکست امام حسن(ع) نقش داشتند و در ارتکاب اعمالی مانند شایعه‌افکنی‌ها و توطئه‌ها و ایجاد نفاق و دوئیت، تأثیری به سزا داشتند. اینها در خفا، مراتب فرمانبری و همراهی خود را به معاویه نوشتند و او را به حرکت به سوی کوفه تحریک و تشویق نمودند و ضمانت کردند که هر گاه سپاه او به اردوگاه حسن بن علی(ع) نزدیک شود، [امام] حسن(ع) را دست بسته تسلیم او کنند یا ناگهان او را بکشند (مفید، ۱۷۰). مسعودی در خصوص این گروه می‌گوید: «اکثر آنان نهانی با معاویه مکاتبه کردند؛ به او وعده‌ها دادند و به این وسیله خود را به او مقرب ساختند» (ابن اثیر، ج ۲، ص ۴۲). این گروه زشت‌ترین جنایتی را که یک خائن فرصت‌طلب انجام می‌دهد، مرتکب می‌شدند. فعالیت‌های پلید آنان دیری در زیر پوششی از دروغ و نفاق باقی نمی‌ماند و درست به هنگام ادای وظیفه، خباثت آنان آشکار می‌گشت. در تمام این مدت، گروه یاد شده پیشروان هر ناخشنودی و کم‌کاران هر بلوا و آشوب و انگشتان خیانتکار دشمن در قلمرو حکومت هاشمی امام حسن(ع) بودند.

۲- **خوارج:** گروهی بودند که پس از حادثه حکمیت کمر به دشمنی علی(ع) و معاویه بسته بودند. رؤسای این گروه در کوفه عبارت بودند از: عبدالله بن وهب الراسبی، شبت بن ربیع، عبدالله بن الکواء، اشعث بن قیس، شمربن ذی‌الجوشن. خوارج از اولین روزهای بیعت، از همه مردم کوفه نسبت به جنگ با معاویه بیشتر اصرار می‌ورزیدند و آنها کسانی بودند که هنگام بیعت با حسن بن علی(ع) شرط کردند که با متجاوزان و گمراهان (شام) بجنگند؛ اما آن حضرت دست از بیعت آنان کشید و گفت باید به شرط (اطاعت کامل و پیروی بی‌قید و شرط در جنگ و صلح) بیعت کنند، آنگاه آنان نزد برادرش امام حسین(ع) آمدند و گفتند: دست بگشا تا با تو بیعت کنیم همانطور که با پدرت بیعت کردیم و به این شرط که با

1. Group of goal

متجاوزان و گمراهان شامی جنگ کنی، آن حضرت در پاسخ آنان گفت: (معاذالله که تا حسن زنده است بیعت شما را بپذیرم) و آنها چون چنین دیدند ناچار نزد امام حسن (ع) آمده و همانگونه که امام (ع) فرمودند با ایشان بیعت کردند (الدینوری، ۱۳۸۳، ص ۱۵۰). هر چند تاریخ بخشی از اینها را از دشمنی با امام حسن (ع) تبرئه می‌کند اما با مطالعه بخش‌هایی از حوادث آن دوران روشن می‌شود که در بحرانی‌ترین و وخیم‌ترین لحظات، همین عده عامل و ابزار بروز حوادث ناگوار بودند و چنانکه برخی از مورخین نقل کرده‌اند، دو تن از سران و بزرگان آنها در پلیدترین و زشت‌ترین توطئه اموی در کوفه، شرکت داشتند. اینها برای تشویق مردم به اخلاص‌گری و ایجاد فتنه و آشوب، از مؤثرترین و مخوف‌ترین روش‌ها استفاده کردند و به وسایل گوناگون، ایمان بسیاری از مردم را متزلزل ساختند. زیاد بن ابیه تبلیغات خوارج را اینگونه توصیف می‌کرد: «سخن ایشان در دل، گیرنده‌تر از آتش درونی» و مغیره بن شعبه درباره آنان می‌گفت: «اگر دو روز در شهری بماند هر کس را که با آنان معاشرت کند، فاسد می‌سازند» (طبری، ج ۶، ص ۱۰۹). این گروه (خوارج) سخن باطل می‌گفت و آن را حق می‌پنداشت، کار زشت می‌کرد و آن را خوب می‌دانست و به خدا اتکا داشت اما هیچگونه ارتباطی از راه‌های مشروع و دین‌پسند با خدا نداشت.

۳- شکاک‌ها: از دیگر گروه‌های تشکیل‌دهنده سپاه امام حسن (ع)، شکاک‌ها بودند. گمان قوی آن است که نامگذاری آنان به (شکاک‌ها) بدین جهت است که اینها تحت تأثیر تبلیغات خوارج قرار گرفته بودند بی‌آنکه جزء آنان شده باشند و پیوسته در حال تردید و دودلی به سر می‌بردند؛ سیدمرتضی نیز در کتاب امالی به تقریبی از شکاکان نام برده و به اشاره، آنان را کافر شمرده است. گویا به نظر وی، این عده در اصل دین، تردید و تزلزل داشته‌اند (امالی، ج ۳، ص ۹۳). به هر حال، اینها جمعی از ساکنان کوفه و فرومایگان آن اجتماع بودند که خود به خود نه قصد نیکی داشتند و نه توانایی بدی، با این وصف، وجود آنان خود مایه شر و وسیله فساد و آلت بی‌ارادگی در دست اخلاص‌گرا و فتنه‌جویان بود.

۴- الحمراء: این گروه به گفته طبری در تاریخ، بیست هزار مرد مسلح کوفی بودند که در هنگام تقسیم‌بندی کوفه، در قسمتی قرار گرفتند که هم‌پیمانان آنها از طایفه (بنی عبدالقیس) در آنجا واقع شده بودند. این عده در اصل، نه از (بنی عبدالقیس) بودند و نه حتی از عرب، بلکه دارای نژادی مخلوط و اولاد بردگان و موالی بودند و شاید بیشتر آنان اولاد کنیزکان پارسی‌ای بودند که در سال‌های ۱۲ تا ۱۷ در (عین التمر) و (جلولاء) اسیر شده بودند؛ همین‌ها در سال ۴۱ و هم در سال ۶۱ یعنی در دو بحران مربوط به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) مردمی صاحب سلاح و جنگ‌وجو به شمار می‌رفتند؛ همین

گروه پاسبانان (زیاد بن ابیه) بودند که در حدود سال ۵۱ هجری آن فجایع را نسبت به شیعه مرتکب شدند و خلاصه، اینها از افرادی به شمار می‌رفتند که در برابر مزد، به هر جنایتی تن در می‌دادند و اغلب اتباع و اطرافیان مردم صاحب قدرت و شمشیر برنده‌ای در دست جباران مقتدر به شمار می‌رفتند. بر اثر استقبالی که این عده از فتنه‌ها و حوادث مختلف کوفه در قرن اول هجری کرده بودند، به تدریج بر قدرت و شوکت آنان افزوده شده و کارشان چنان بالا گرفته بود که شهر کوفه را به آنان نسبت می‌دادند و می‌گفتند: (کوفه الحمراء) (امام خاتمه‌ای، ۱۳۶۳، ص ۱۰۵).

۵- شیعیان امام حسن(ع): در کنار این عناصر مخالف، شیعیان امام حسن(ع) قرار داشتند که از لحاظ تعداد، در مرکز حکومت علی(ع) از دیگر گروه‌ها بیشتر بودند. در میان این عده، جمعی از بقایای مهاجرین و انصار نیز وجود داشتند که به تبع علی(ع) در کوفه مسکن گزیده بودند و مصاحبت آنان با رسول خدا(ص) به آنان مکان و منزلت شامخی در میان مردم داده بود. این گروه بخشی از وظیفه خود را نسبت به اهل بیت(ع)، چه در آغاز خلافت حسن بن علی(ع) و چه در هنگامی که آن حضرت پس از بیعت، فرمان جهاد داد و چه در مراحل دیگری که بعدها پیش آمد در حد توان و بضاعت انجام دادند، بی‌گمان اگر این شیعیان از بصیرت لازم برخوردار بودند و از دسیسه‌های سایر همشهریان خود مصون می‌ماندند، با اخلاصی که در آن روز داشتند؛ برای مقابله با خطرهایی که از شام به سوی کوفه سرازیر بود، عده‌ای کافی و شایسته بودند. این جمع از چنان آمادگی و شور و نشاطی برخوردار بودند که برای هیچکس انکارپذیر نبود به گونه‌ای که هر مشکلی را برایشان قابل هضم می‌ساخت؛ اما معرفت و بصیرتی که توانایی ورود به مشکلات را به آنان می‌بخشید طبق قرائن و شواهد کمتر وجود داشت. به راستی درباره کسانی همچون قیس بن سعد بن عباد، حجر بن عدی، عمرو بن الحمق خزاعی، سعید بن قیس همدانی، حبیب بن مظاهر اسدی، عدی بن حاتم، مسیب بن نجیبه، زیاد بن صعصعه و دیگرانی از این قبیل، چگونه می‌توان اندیشید؟ در آن مقطع جریان‌های تند و مخالف و دست‌های مزدور و خائنینی نیز برای دگرگون ساختن این زمینه‌های مساعد و تغییر سرنوشت، پیوسته مشغول فعالیت بودند که زمینه فعالیت آن جریان‌ها را همین بی‌بصیرتی‌ها فراهم کرده بودند.

نتیجه

در روایات مختلف مورخین عدد سپاهیان امام حسن(ع) در هنگام بسیج، فراخوانی، سازماندهی و تجهیز از هفتاد هزار نفر تا دوازده هزار نفر ذکر شده است. اما طبق الخراج و الجرایح راوندی «عدد سپاهیان امام حسن(ع) دوازده هزار نفر از چهل هزار نفر سپاهی بودند که حضرت علی(ع) پیش از شهادت خود برای نبرد با شامیان بسیج کرده بودند» (راوندی، ص ۲۲۸). از نامه حضرت علی(ع)

به مالک اشتر درباره جایگاه نیروهای مسلح در ساختار نظام سیاسی اسلام و همچنین وضعیت سیاسی، اجتماعی، روحی روانی مردم بصره، کوفه، مدائن و مدینه (عموم مردم، خواص، گروه‌ها) برمی‌آید که از لحاظ روحی و روانی مردمانی مأیوس، وحشت‌زده، هراسان از مرگ، بیعت‌شکن، مردمی دنیاطلب، طماع و امیدوار به منجی، خارج از مدینه بودند و به هر حرکتی از طرف شامیان پاسخ مثبت می‌دادند. به عبارت دیگر مردنماهایی با روش‌های ناپسند فتنه‌جویی^۱، اخلاص‌گری^۲ و تفرقه‌افکنی بودند. به هر حال، از سپاهی با چنین استعداد ضعیف و عملکرد نامناسب انتظاری جزء بیعت با دشمن نمی‌رفت، زیرا مردم این مناطق از یک سو بدترین وضعیت روحی روانی و از سوی دیگر بهترین ظرفیت را برای اجرای تاکتیک‌های عملیات روانی شامیان داشتند؛ بنابراین معاویه از این وضعیت به بهترین شکل بهره‌برداری کرد و پیوسته به منظور تخریب روحیه جبهه حق مکاتبات مردم آن مناطق با شامیان را مبنی بر هر نوع همکاری با معاویه، برای امام مجتبی (ع) می‌فرستاد.

پرسش دوم

بنی‌امیه (معاویه) به چه صورت و کدامیک از تاکتیک‌های عملیات روانی را مورد استفاده قرار داد که موفق به تحمیل چنین صلحی گردیدند؟

معاویه با خبثت و زیرکی که داشت در راستای تحمیل صلح به امام حسن (ع) در نظر داشت با بهره‌گیری از عملیات روانی که در آن دوران از آن با عنوان خدعه و نیرنگ یاد می‌شد بر نگرش، انگیزه، علایق، رفتار و گفتار جامعه تحت حکومت امام حسن (ع) تأثیر بگذارد و آنها را در راستای اهداف شیطانی خود هدایت کند. در این خصوص با مشورت افراد مکار و حقه‌بازی همچون شعبه و عمرو عاص و تعدادی افراد با چنین ویژگی‌هایی راه‌کارهای مناسب را برای تحقق اهداف شیطانی خود به کار گرفت؛ این نوشتار در نظر دارد با بهره‌گیری از اسناد موجود، تأثیر تاکتیک‌های عملیات روانی دشمنان اسلام (معاویه) در شکل‌گیری صلح امام حسن (ع) را مورد بررسی قرار دهد. همچنین شیوه‌هایی را که آنها برای نفی دعوت پیامبر اسلام و خاموش کردن ندای حق به کار گرفتند مورد مطالعه قرار دهد. زیرا خداوند متعال در قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید:

«يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ» يهودان و ترسایان می‌خواهند که فرو

نشانند نور خدا (نبوت یا قرآن) را با دهن‌های خود... (توبه/۳۲).

برای ارائه جوابی مستدل و منطقی به سؤال یاد شده توجه به ابعاد گوناگون عملیات روانی مشرکان (بنی‌امیه)، ضروری است. در این بخش از نوشتار ابتدا مبحث چستی عملیات روانی سپس ویژگی‌های

1. Seditious quarrelsome 2. Saboterur heckly

آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و سرانجام تاکتیک‌های مورد استفاده معاویه در تحمیل صلح به امام حسن (ع) بررسی می‌شود.

الف) تعریف و مفاهیم عملیات روانی: با توجه به تأثیری که تاکتیک‌های این جنگ بر شکل‌گیری آن حادثه ناگوار داشت؛ پیش از پرداختن به تاکتیک‌های این جنگ و نقش آنها در شکل‌گیری این واقعه ارائه تعاریفی از این پدیده ضرورت دارد. عملیات روانی عبارت از تأثیرگذاری بر نامه‌ریزی شده بر روح، اراده و رفتار تک افراد، گروهی از انسان‌ها یا یک ملت با روش‌های بدون خونریزی است (B MLY, ۱۹۶۵). جان کالینز معتقد است عملیات روانی عبارت است از: استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن برای نفوذ در خصوصیات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری شود (کالینز، ۱۳۷۰، ص ۴۸۷). ارتش امریکا در آیین‌نامه رزمی خود تعریفی دیگر از عملیات روانی ارائه می‌دهد که عبارت است از: استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی که منظور اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی‌طرف یا گروه‌های دوست است به نحوی که پشتیبانی برای برآورد اهداف ملی باشند (سیمای جمهوری اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۷۹). عملیات روانی نوعی تلاش برای متقاعدسازی با هدف تسلیم یا مغلوب کردن طرف مقابل همراه با تأثیرات جانبی آن است و به زمان جنگ اختصاص ندارد بلکه در زمان صلح و در دوران بحران نیز به کار می‌رود (جمشیدی، ۱۳۸۳، ص ۹). عملیات روانی حملات تبلیغاتی شدیدی است بین دو دولت یا دو گروه از دولت‌ها (علی‌بابایی، ۱۳۶۹، ص ۳۶۴). عملیات روانی، سلسله فعالیت‌های روان‌شناسانه‌ای را در برمی‌گیرد که در زمان صلح، جنگ و بحران، برای تأثیر گذاشتن بر نگرش و رفتار مخاطبان بی‌طرف، خودی و دشمن، طرح‌ریزی شده و در روند دستیابی به اهداف سیاسی و نظامی مؤثر است (دکترین عملیات روانی ناتو، ۲۰۰۲). عملیات روانی، عملیاتی است که برای انتقال اطلاعات و نشانه‌های برگزیده شده با هدف تأثیرگذاری بر هیجان‌ها، انگیزه‌ها، استدلال عینی مخاطبان خارجی، رفتار دولت‌های بیگانه، سازمان‌ها، گروه‌ها و یکایک افراد طرح‌ریزی می‌شود. پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) تعریف زیر را از عملیات روانی ارائه می‌دهد: عملیات روانی، انتشار اخبار از پیش تعیین شده است که تمایل دشمن به مقاومت را سست نموده و ضمن برجا گذاشتن آثار تخریبی در روحیه نفرات دشمن، باعث تقویت روحیه پشتیبانان می‌شود (شهلایی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۱). در تعریفی دیگر از عملیات روانی آمده است: عملیات روانی فعالیت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی معمول در دوره جنگ سرد، با هدف نفوذ و سلطه بر افکار و رفتار است (چگینی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۸). نظر به اینکه شامیان در این حرکت به شکل ویژه، خاص و پیچیده‌ای این جنگ را طرح‌ریزی و اجرا نمودند تعاریف متعددی از این جنگ از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف ارائه

شد؛ زیرا هر قسمت از حرکت شامیان در اجرای سناریوی عملیات روانی علیه امام حسن(ع) با یکی از تعاریف ارائه شده مطابقت دارد.

ب) ویژگی‌های عملیات روانی: با توجه به تعاریفی که از عملیات روانی ارائه شد در مجموع می‌توان ویژگی‌های زیر را برای آن برشمرد: ۱- هدف نهایی: تأمین اهداف یا مقاصد امنیت ملی یا سایر اهداف سیاسی و نظامی؛ ۲- هدف کلی: تأمین اهداف جنگ (پیروزی و تسلیم شدن)؛ ۳- هدف رفتاری: تأثیر بر ذهن، عواطف، تمایلات و روان نیروهای دشمن و تغییر آن رفتارها؛ ۴- ابزار: تبلیغات، فعالیت‌های روان‌شناسانه، رسانه‌ها، اطلاعات و سایر ابزارها؛ ۵- مورد حمله: عقاید، نگرش‌ها، برداشت‌ها، احساسات، تمایلات و رفتار؛ ۶- مخاطب: دشمن، گروه‌های بی‌طرف، دوستان و خودی‌ها؛ ۷- میدان نبرد: گسترده و فراگیر و در برگیرنده جوامع رودرو و بی‌طرف؛ ۸- زمان حمله: جنگ، صلح و بحران؛ ۹- شیوه: گوناگون (گفتاری، شنیداری، دیداری و ...).

۱- شخصیت معاویه: نظر به نقش و تأثیری که معاویه در فریب افکار عمومی جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) داشت و قدرتی که در شیطنت و طراحی چنین جنگ‌هایی داشت در این بخش از نوشتار ویژگی‌های شخصیتی او از منظر حضرت علی(ع) و بعضی دیگر از شخصیت‌های صاحب نفوذ آن دوران مورد بررسی قرار می‌گیرد تا عمق فاجعه و شدت سرعت عملیات روانی بنی‌امیه بر علیه امام حسن(ع) بهتر آشکار شود. در میدان‌های فتح و پیروزی پس از رحلت پیامبر(ص) امویان تنها به این شناخته شدند که از خاندان پیامبر و صحابه‌اوند. بعدها که برای مردمی از غیر خاندان پیامبر، این فرصت پیش آمد که مسندنشین و جانشین او شوند، معاویه توانست در سایه ایشان، به چهره‌ی یکی از بزرگ‌ترین استانداران اسلام تغییر شکل یابد و همچون یکی از شایسته‌ترین امرای مسلمان از حیث گفتار و عمل، معروف شود. معاویه با هوش و شیطنت فراوان خود توانست از اسلام، همچون راهی به سوی (سلطنت) استفاده کند و همانطور که رسول اکرم(ص) خبر داده بود، دین خدا را مایه‌ی فریب‌کاری و بندگان خدا را بردگانی حلقه به گوش و مال خدا را ملک اختصاصی خویش سازد. معاویه در پناه حکومت بیست ساله‌اش بر شام در دوران خلیفه‌ی دوم و سوم با فعالیت‌های مجدانه توانست پایگاهی مستقر برای خویش فراهم آورد و مردم آن سامان را با خود همراه و به عطای خود امیدوار سازد، از این رو مردم شام همه طرفدار و کمک‌کار او بودند و بدین ترتیب، موقعیت او در جهان اسلام بسی بالا رفت و در دیگر اقطار قلمرو اسلام به اینکه از قریش - یعنی خاندان رسول اکرم(ص) و از صحابه‌ی اوست شناخته شد تا آنجا که در این خصوص، از بسیاری از مسلمانان با سابقه و پیشاهنگ همچون ابوذر و عمار و مقداد و ... مشهورتر گشت. بدین ترتیب، بار دیگر (باند اموی) رشد کرد و به نام (بنی‌هاشم) آشکارا با دودمان بنی‌هاشم پنجه در افکند و در نهان نیز همان دسیسه‌ها و دشمنی‌های دیرین را تعقیب

نمود و به تدریج با گذشت زمان توانست توده مردم را با روش‌های شیطنت‌آمیز بفریبد و خواص را با بذر و بخشش‌های بی‌حساب از اموال بیت‌المال و با سپردن پست‌هایی که از حرام ساخته بود به خود جلب کند و برای موفقیت در این روش‌ها، از پیروزی‌هایی که برای مسلمانان در آن حدود پیش می‌آمد و هم از جلب رضایت خلفاء، بهره‌برداری کند. هنگامی که باهوش شیطنت‌آمیز (معاویه) کار امویان سامان یافت، اهریمن‌وار، دست به سوی احکام دین دراز کردند و آن را دستخوش تحریف و تباهی قرار دادند و کاروان زندگی مردم را به سوی جاهلیت و لابلالی‌گری و دین‌ناباوری منحرف ساختند و به تعقیب منظور اصلی خود یعنی جلب سود مادی و حفظ امتیازات طبقاتی پرداختند. معاویه به عنوان محور حرکت شامیان و تحریک‌کننده مردم بلاد (کوفه، بصره، مدائن و مدینه) تحت حاکمیت امام حسن (ع) در تحمیل صلح به امام مجتبی از ویژگی‌های شخصیتی خاصی برخوردار بود که بدون تجزیه و تحلیل شخصیت این فرد بررسی صلح امام حسن (ع) امکان‌پذیر نیست. از این رو، با بهره‌گیری از سخنان حضرت علی (ع) شخصیت این شخص مورد بررسی قرار می‌گیرد تا ابعاد و شیوه‌های عملیات روانی به کار گرفته شده در این حادثه تلخ و ناگوار بهتر آشکار شود. حضرت علی (ع) در خطبه‌ها و نامه‌های متعدد وضعیت روحی روانی و ویژگی‌های شخصیتی معاویه را معرفی می‌کنند که به دلیل محدودیت به بعضی از آنها به شرح زیر اشاره می‌شود:

۱-۱) گمراهی معاویه: حضرت امیر (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید:

«لَكَانَنْسِي أَنْظُرُ إِلَى ضَلِيلٍ قَدْ نَعَى بِالشَّمَامِ، وَ فَحَصَّ بِرِايَتِهِ فِي ضَوَاحِي كُوفَانَ، فَإِذَا فَعَرَّتْ فَاغْرَثَهُ، وَ اشْتَدَّتْ شَكِيمَتُهُ، وَ ثَقَلَتْ فِي الْأَرْضِ وَطَأْتُهُ، عَصَّتِ الْفِتْنَةُ أَبْنَاهَا بِأَنْبِيَاهِهَا، وَ مَاجَتِ الْحَرْبُ بِأَمْوَاجِهَا وَ بَدَا مِنَ الْأَيَّامِ كُلُوحُهَا، وَ مِنَ اللَّيَالِي كُدُوحُهَا فَإِذَا أُبْنِعَ زَرْعُهُ وَ قَامَ عَلَى بِنْعِهِ، وَ هَدَرَتْ شَقَاشِقُهُ، وَ بَرَقَتْ بَوَارِقُهُ، عَقَدَتْ رَايَاتِ الْفِتَنِ الْمُعْضَلَةَ، وَ أَقْبَلْنَ كَاللَّيْلِ الْمُظْلِمِ، وَ الْبَحْرِ الْمُتَلَطِّمِ» گویی می‌بینم مردی (معاویه) را، در گمراهی سرآمد همه گمراهان که در شام چون زاغ بانگ می‌کند. پرچم‌هایش را در اطراف کوفه برافراشته چون دهان گشاید، چونان توسنی که لجامش را می‌کشند، سرکشی آغاز کند و در زمین جای پای محکم سازد، دیو فتنه، فرزندان خود را در زیر دندان خرد بساید و دریای دمان جنگ موج‌ها برانگیزد، روزها تیره و تار گردد و شب‌ها با رنج و خستگی همراه، چون کشته‌اش بارور شود و ثمره‌اش برسد، همانند اشتر مست از خشم، پاره گوشت را از کنار دهان بیرون افکند و بسی چون صاعقه بسوزاند و برای لشکرهای فتنه عَلمَ بریند و به راهشان اندازد و آنان چونان شب تاریک و دریای متلاطم پیش آیند (خطبه ۱۰۱).

۲-۱) انحرافات اخلاقی: «فَإِنَّكَ قَدْ جَعَلْتَ دِينَكَ تَبَعًا لِدُنْيَا أَمْرِي ظَاهِرٌ غَيْبُهُ، مَهْتُوكِ سِتْرُهُ، يَشِينُ الْكَرِيمَ بِمَجْلِسِهِ وَ يُسْفَهُ الْحَلِيمَ بِخُلُطَتِهِ، فَاتَّبَعْتَ أَثَرَهُ وَ طَلَبْتَ فَضْلَهُ» تو دین خود را تابع مردی (معاویه) ساختی که گمراهی آشکار است و پرده‌اش دریده است. کریمان را در مجلس خود ناسزا گوید و به هنگام معاشرت، بردبار را سفیه خواند (دشتی، ۱۳۸۲، نامه ۳۹).

۳-۱) بدعت و پیمان شکنی: «فَسُبْحَانَ اللَّهِ مَا أَشَدُّ لَزُومَكَ لِلْأَهْوَاءِ الْمُتَبَدَّعَةِ وَالْحَيْرَةِ الْمُتَّبَعَةِ مَعَ تَضْيِيعِ الْحَقَائِقِ وَ اطْرَاحِ الْوَثَائِقِ، الَّتِي هِيَ لِلَّهِ طَلَبَةٌ وَ عَلَى عِبَادِهِ حُجَّةٌ سُبْحَانَ اللَّهِ!» چه بسیار است پیروی تو (معاویه) از هواهای بدعت‌آمیز و چه سخت است گرفتار آمدن به چنگ حیرت و سرگردانی. حقایق را ضایع می‌گذاری و پیمان‌ها را به دور می‌افکنی. حقایق و پیمان‌هایی که خواسته خداوند است و حجت است بر بندگان او (همان، نامه ۳۷، فراز ۱).

۴-۱) شیطان‌صفتی: «وَ قَدْ عَرَفْتُ أَنَّ مُعَاوِيَةَ كَتَبَ إِلَيْكَ يَسْتَرْ لُؤْبَكَ وَ يَسْتَقِلُّ غَرْبَكَ، فَاحْذَرُهُ، فَإِنَّمَا هُوَ الشَّيْطَانُ يَأْتِي الْمَرْءَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ، لِيَقْتَحِمَ غَفْلَتَهُ وَ يَسْتَلْبَ غَرْبَهُ» دانستم که معاویه نامه‌ای به تو نوشته و می‌خواهد پای عقلم را بلغزاند و عزمت را سست گرداند. از معاویه بر حذر باش که او شیطان است و او از روبه رو و پشت سر و راست و چپ نزد آدمی می‌آید تا به هنگام غفلت فرصت یافته مقهورش سازد و عقلش را برباید (نامه ۴۴، فراز ۱ و ۲).

۵-۱) معاویه در نگاه زیاد بن ابیه: هنگامی که معاویه به زیاد نامه می‌نویسد و او را تطمیع می‌کند زیاد او را این‌گونه معرفی می‌کند: فرزند زن جگر خوار، کانون نفاق و بازمانده احزاب به من نامه می‌نویسد و مرا وعد و وعید می‌دهد (یعقوبی، ج ۲، ص ۱۹۴).

نتیجه: از سخنان حضرت علی (ع) و سایر مکتوبات این‌گونه استنتاج می‌شود که معاویه فردی تیزهوش، باتدبیر، سیاستمداری شیطان‌صفت، هنرمندی در کمین فرصت‌ها، انسانی آینده‌نگر، فتنه‌انگیزی حیل‌گر فردی توانمند به بهره‌گیری از شیطانی همچون مغیره بن شعبه، عمرو بن العاص و زیاد بن عبید رومی است. خود او در خصوص جنگش با امام حسن (ع) می‌گوید جنگ من با حسن جنگ حیل‌گرانه و فتنه‌آمیز است.

ج) تاکتیک‌های عملیات روانی را که بنی‌امیه (معاویه) در شکل‌گیری این حادثه به کار بردند طبق اسناد موجود در منابع اسلامی می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱-۲) برجسب زدن: از دیگر تاکتیک‌هایی که در این واقعه توسط شامیان طرح‌ریزی و اجراء شد برجسب زدن بود. معاویه از این تاکتیک در مقاطع مختلف در دوران خلافت و امامت علی (ع) و در این واقعه استفاده نمود. او با طرح انتقام خون عثمان در هر دو مقطع زمینه دو دستاورد بزرگ را برای خود فراهم کرد دستاورد اول آن تحریک شامیان برای سازماندهی در سپاهش برای انتقام خون خلیفه مظلوم

از کوفیان و دستاورد دوم ایجاد تفرقه و اختلال و تزلزل در سپاه اسلام که در هر دو مورد موفق شد. ۲-۲) تبلیغات: یکی از تاکتیک‌هایی که شامیان برای تحقق اهداف شیطانی خود در آن مقطع مورد استفاده قرار دادند تبلیغات بود. از این تاکتیک تعاریف متعددی ارائه شده که به چند تعریف اشاره می‌شود که عبارت است از: تلاش نظام‌مند و هدف‌دار که قصد نهایی آن شکل دادن به عقاید، ارزش‌ها، افکار و رفتار مردم در جهت خاص سیاسی است (آشتیانی، ۱۳۸۲). کوشش کم و بیش عمدی و سنجیده‌ای است که هدف نهایی آن نفوذ بر عقاید یا رفتار افراد برای تأمین مقاصد از پیش تعیین شده است (کویل، ۱۹۷۲، ص ۴۲). در جای دیگر آمده است: نشر افکار یا عقایدی است که بر رفتار یا افکار و یا هر دو اثر می‌گذارد (مارتین، ۱۹۸۵، ص ۱۶). در جای دیگر آمده است که تبلیغات عبارت است از: تلاش سازمان‌دهی شده و جهت‌داری که به منظور تأثیر بر افکار و رفتار مخاطبین و تغییر نگرش آنان نسبت به اهداف مورد نظر طراحی و اجرا می‌شود (شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۸). همچنین تبلیغات عبارت است از: هر نوع تبلیغی که برای نفوذ در اعتقادات، احساسات، دیدگاه‌ها یا طرز رفتار یک گروه طراحی می‌شود و از این طریق به مقاصد امنیت ملی مجری طرح کمک می‌کند (کالینز، ۱۳۸۳، ص ۴۸۷).

با توجه به تعاریف ارائه شده و عملکرد عام و خاص سپاه امام حسن (ع) در آن مقطع حساس و سرنوشت‌ساز تأثیر این تاکتیک در تحقق اهداف شیطانی شامیان مشخص می‌شود. طبق اسناد موجود منادی در کوفه ندا سر داد، الصلوه جامعه^۱ خلاق در مسجد جمع شدند؛ «امام حسن (ع) بر منبر قرار گرفتند و خدا را ستایش کردند و سپس گفتند معاویه پس از اطلاع از تصمیم ما بر جنگ، بدین سوی راه افتاده است پس شما نیز بهار در اردوگاه در نخیله^۲ درآید رحمت خدا بر شما باد - تا با کمک فکر و رأی همگان تصمیم بگیریم» - مورخان نوشته‌اند: «مردم همگی سکوت کردند و هیچکس زبان به سخن نگشود و امام حسن (ع) را به یک کلمه پاسخ نگفت» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۳، ص ۱۴۰). آن قدر این حرکت زشت و ناپسند بود که عدی ابن حاتم در حالی که از بروز چنین وضعیتی به شدت بدنش می‌لرزید در حالی که صدایش مرتعش بود، گفت: «منم عدی پسر حاتم. وه چه زشت این رفتار! چرا به پیشوا و فرزند پیغمبرتان جواب نمی‌دهید کجا رفتند خطیبان شهر که در دوران راحت زبانشان همچون تازیانه بود و اکنون که کار جدی شده همچون روباه به سوراخ خزیده‌اند». طبق اسناد موجود پس از ده روز که حضرت (ع) در نخیله مکث کردند تنها چهار هزار نفر جمع شدند و حضرت به کوفه برگشتند تا مردم را کوچ دهند و خطبه‌ای ایراد کردند و در آن خطبه با توجه به رفتار مردم که تحت تأثیر تبلیغات شامیان شکل گرفته بود، فرمودند: «ما فریفتند هم‌چنانکه خلیفه پیشین را فریفته بودند» (الحرایج الجرایح: ۲۲۸). تبلیغات مردم را تحت تأثیر قرار داد به طوری که علاوه بر عدم

۱. جمله‌ای که برای دعوت مردم به اجتماع گفته می‌شد. ۲. نخیله جایی در نزدیکی کوفه از طرف شام که فاصله آن تا کوفه ۱۲ مایل است.

همراهی حضرت در آن مقطع سرنوشت‌ساز، همواره وسیله‌ای بر تحریک شامیان برای ضربه زدن به خلافت امام حسن (ع) بودند. این تاکتیک (تبلیغات) چنان تأثیرگذار شد که به معاویه نامه نوشتند که امام را کت بسته تحویل تو می‌دهیم یا او را می‌کشیم.

۲-۳) ترور: یکی دیگر از تاکتیک‌های عملیات روانی ترور می‌باشد که عبارت است از: تلاش در برانگیختن ترس و هراس در مخاطب برای تحت فشار قرار دادن وی برای اطاعت و تسلیم شدن و یکی از مؤثرترین شیوه‌های عملیات روانی به شمار می‌رود (متفکر، ۱۳۸۱). پس از آنکه امام حسن (ع) از تطمیع بعضی افراد برای ترور خویش خبر یافت همیشه در زیر لباسش زره بر تن می‌کرد و با پرهیز و احتیاط رفتار می‌نمود و حتی به نماز نیز با این حال حاضر می‌شد. یک نفر به نام "ابن سنان اسدی" که از خوارج بود و روح تروریستی داشت در نماز تیری به سوی او افکند ولی چون زره داشت به او آسیب نرسانید (علل الشرایع، ۸۴) (امام خامنه‌ای، ۱۳۵۶، ص ۱۰۱).

۲-۴) تطمیع: صاحب‌نظران عملیات روانی معتقدند، تطمیع یک محرک نیرومند است که پاداش را به دنبال دارد و سعی می‌کند آنها را طرف‌دار یا بی‌طرف کند. معاویه با عمرو بن حرث و اشعث بن قیس و حجار بن ابجر و شبت بن ربیع در خفا قرارداد بست و به وسیله جاسوسانش برای هر یک از ایشان چنین پیغامی فرستاد: «اگر حسن را بکشی پاداش تو صد هزار درهم است با فرماندهی یکی از لشکرهای شام و زناشویی با یکی از دخترانم.» معاویه که فردی کیاس و زیرک بود در راستای دستیابی به اهداف شیطانی خود از هیچ حرکتی فروگذار نبود. او در استفاده از این تاکتیک علاوه بر خرید یاران امام پا از این فراتر گذاشت و در نامه‌ای به حضرت چنین نوشت: «... وانگهی پس از من خلافت از آن تو است چه، تو از همه کس بدان سزاوارتری...» (شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۴). او در نظر داشت با این دام امام را از انجام تکلیف الهی اش منصرف کند و این مانع بزرگ را بدون جنگ از سر راه خود بردارد. یکی از لشکرهای امام مجتبی (ع) به فرماندهی یکی از مردان قبیله "کندی" در شهر انبار جهت جنگ با شامیان مستقر شد؛ چون معاویه از استقرار این یگان اطلاع یافت و پس از شناخت نسبت به شخصیت این فرمانده قاصدی را به سوی او فرستاد و برای او نوشت: «اگر به من پیوندی، بی‌درنگ تو را به حکومت چند آبادی از آبادی‌های شام و جرایه (عراق) منصوب خواهیم کرد و پانصد هزار درهم نیز برای او فرستاد. مرد کندی آن نقد را گرفت و با دویست نفر از یارانش به معاویه پیوست (بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۱۰). این حرکت زشت را دیگر فرماندهانی که به این منطقه اعزام می‌گشتند مرتکب می‌شدند. معاویه متناسب با شخصیت و جایگاه افراد برای جذب آنها به شامیان هزینه می‌کرد. در تاریخ آمده است که معاویه برای جذب عبیدالله از تاکتیک‌های متفاوت بهره می‌گرفت چون معتقد بود اگر او را از سپاه حضرت جدا کنند ساختار و سازمان سپاه متلاشی می‌شود؛ لذا علاوه بر تخدیر

که بعداً مورد بررسی قرار می‌گیرد از تاکتیک تطمیع هم برای جذب ابن عباس استفاده کرد و بیشترین مبلغ را برای او تعیین کرد «یک میلیون درهم پاداش برای او قرار داد که نیمی از آن را نقد و نیم دیگر را در هنگام ورود به کوفه به او بپردازد» (مفید، ۱۷۰). در جای دیگر آورده‌اند مختار به سعد ابن مسعود گفت: «آیا ثروت و شرف می‌خواهی؟ گفت: چگونه؟ گفت: حسن را دست و پا می‌بندیم و تحویل معاویه می‌دهیم» (تاریخ طبری).

۵-۲) تخدیر: تاکتیکی است برای کُند و متوقف کردن رفتار مخاطبان و پشتوانه احساسی - عاطفی آنان را نشانه می‌رود و شور و احساس حاکم بر رفتار آنها را به تدریج کمرنگ و ذایل می‌کند (شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۴۱). معاویه در بهره‌گیری از این تاکتیک تبهر و تجربه خاص داشت؛ او این تاکتیک را در یک برنامه‌ریزی بلندمدت مورد استفاده قرار داد و نتایج مثبت آن را در ساختار سپاه امام حسن (ع) به عینه مشاهده کرد. تاریخ اسلام نام افرادی همچون: عبدالله ابن عمر، سعد ابن ابی وقاص، اسامه ابن زید، محمد بن مسلمه، قدامه مطنون، عبدالله سلام، حسان بن ثابت، اباسعد خدری، زید بن ثابت، نعمان بن بشیر و ... (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۵، ص ۶۲) و نشستگانی که از مدت‌ها قبل بی‌طرفی اختیار کرده و از بیعت با امام حسن (ع) سر باز زدند را به ثبت رسانده است. چنین اقدامی توسط چنین افرادی شاخص و تأثیرگذاری جزء با موفقیت تاکتیک تخدیر امکان‌پذیر نمی‌گشت. این تاکتیک علاوه بر اینکه موفق شد آن افراد نام‌آور و سلحشور را از همراهی امام باز دارد توانست در انگیزه، باور، اعتقاد و ایمان وفاداری همچون عبیدالله ابن عباس هم تأثیر گذارد؛ در تاریخ ثبت شده پس از آنکه شایعه صلح امام حسن (ع) با معاویه در لشکر تحت فرمان عبیدالله تأثیرات لازم را گذاشت معاویه از این شرایط استفاده نمود و با هدف قرار دادن نقطه ضعف اساسی عبیدالله اندک روحیه این فرمانده عالی را منهدم کرد؛ او در نامه‌ای به عبیدالله نوشت: «همانا حسن به زودی ناگزیر به صلح خواهد شد برای تو بهتر است که پیش‌قدم باشی نه تابع» (ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۲۰). این تاکتیک باعث شد که این فرمانده عالی احساس شکست و تسلیم شدن نماید و شبانه همچون فراری ذلیلی که خودش می‌داند چه گناه بزرگی مرتکب شده است وارد اردوگاه معاویه شد و یکی از زشت‌ترین صحنه‌های خیانت و ضعف و زبونی را در تاریخ زندگی‌اش به ثبت رساند. در تاریخ آمده است که تاکتیک تخدیر چنان تأثیرگذار بود که در مدت کوتاهی عدد فراریان میدان جنگ و جنایتکاران به هشت هزار نفر بالغ شدند (احمد ابن یعقوب، جلد ۲، ص ۱۹۱) (روضه الشهداء، ۱۱۵). در تاریخ آمده است سپاهیان حضرت چنان تحت تأثیر این تاکتیک عملیات روانی معاویه قرار گرفتند که غارت و چپاول بی‌شرمانه‌ای شکل گرفت که حتی ردا و مصلای امام را غارت کردند.

۶-۲) تهمت: یکی دیگر از تاکتیک‌هایی که معاویه پس از کشته شدن خلیفه سوم از آن استفاده

می‌کرد انتقام خون عثمان بود. معاویه با متهم کردن بنی‌هاشم به این اقدام در دوران امامت حضرت علی(ع) در وحدت جامعه اسلامی آن دوران اختلاف شدید ایجاد کرد. در دوران امامت و خلافت امام حسن(ع) نیز همواره از این حربه استفاده می‌کرد. علاوه بر این موضوع معاویه بارها بنی‌هاشم را به بیعت‌شکنی با خلفاء متهم می‌کرد که این دو عامل در تشدد و اختلال در سپاه امام نقش اساسی داشت؛ معاویه در نامه‌اش به امام از ابوبکر، عمر و ابو عبیده یاد می‌کند و مخالفت اهل بیت با بیعت ابوبکر را به رخ امام می‌کشید (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۳، ص ۱۲۰).

۷-۲) تشجیع^۱: در این تاکتیک متخصصان عملیات روانی باید با شور و هیجان و شوق تلاش، حرکت به سوی هدف مورد نظر را در مخاطبان برانگیزند و عواطف و احساسات و رفتار آنان را تقویت کنند (شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۴۳). یکی از تاکتیک‌های دیگر عملیات روانی که معاویه در آن مقطع طرح‌ریزی و اجرا کرد تاکتیک تشجیع بود. این تاکتیک چنان دقیق و ظریف طراحی و اجرا شد که مردمانی را که برای جهاد و دفاع از حریم ولایت و امامت به اردوگاه "مسکن" گرد آمده بودند در مدتی کوتاه به دشمنان سرسخت امام مبدل ساخت. مورخین در این خصوص نوشته‌اند: «هنگامی که امام در ساباط مدائن وارد شد ضربتی بر امام وارد نمودند و آنجا را بر امام نأمن کردند به صورتی که گروهی از شیعیان و نزدیکانش او را در میان گرفته بودند و کسی را به او راه نمی‌دادند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۵، ص ۳۲۰). در جای دیگر آورده‌اند: گرد او به حرکت آمده و مردم را از وی دور می‌کردند... زیرا امام(ع) بر جان خود در مقرر فرماندهی تأمین نداشت و مردمی که به نام جهاد و برای دفاع از او از کوفه بیرون آمده بودند پس از مدتی کوتاه در چهره دشمنان خونین او ظاهر شده بودند (همان، ص ۳۲۱). شکل‌گیری چنین اقدامی توسط سربازان و لشکریان حضرت اعم از خواص و عوام آنها جزء با تأثیر تاکتیک مهم و اساسی تشجیع امکان‌پذیر نمی‌گشت.

۸-۲) تحریک^۲: منظور از تحریک انجام اقداماتی است که بر روی حالات و رفتار مخاطبان تأثیر می‌گذارد (شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۵۴). در این روش متخصصان عملیات روانی با ارائه پیام‌ها و اطلاعات آگاهی‌دهنده به تحریک احساسات مخاطبان می‌پردازند؛ در شکل‌گیری صلح امام حسن(ع) معاویه با توجه به زیرکی و کیاستی که داشت و تیم مشاورانی همچون عمرو و عاص و شعبه به شکلی پیچیده از این تاکتیک استفاده کرد. در تاریخ طبری آمده است هنگامی که امام حسن(ع) در مدائن بود منادی ندا سر داد قیس ابن سعد کشته شده است بگریزید، مردم با این سخن پا به فرار گذاشتند و خیمه‌گاه امام را غارت کردند (تاریخ طبری، ۱۳۶۳). این تاکتیک چنان تأثیرگذار بود که مردم در اندک زمانی بدون در نظر گرفتن جایگاه امام در عالم هستی و با آگاهی از زشتی ماهیت حرکتشان خیمه امام را غارت کردند. ۹-۲) تهدید^۳: یکی از شیوه‌ها و تاکتیک‌های عملیات روانی ایجاد ارباب و ارعاب در میان صفوف

1. Emboldening 2. instigation 3. Threat

لشکر مقابل می‌باشد که عبارت است از ترساندن طرف مقابل از اقدام فیزیکی و ارباب نسبت به عدم سر سپردن به خواسته‌های طرف مهاجم (طائب، ۱۳۸۸، ص ۹). در جای دیگر آمده است تهدید یعنی ترساندن از اقدام عملی در صورت عدم تمکین در قبال خواسته‌های اعمال‌کننده عملیات روانی (متفکر، ۱۳۸۱، ص ۲۴۲). در جای دیگر معاویه به منظور اختلال در انگیزه امام حسن (ع) و همراه نمودن ایشان با اهداف خود و به عبارت دیگر مجبور نمودن امام به پذیرش خلافت خود در نامه‌ای به امام حسن (ع) چنین می‌نویسد: «... بپرهیز از آنکه مرگ تو به دست مردم پست و فرومایه باشد و نوامید باش از اینکه بتوانی در ما فتوری پدید آوری ...» (شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۳).

۱۰-۲) **تصدیق**^۱: یکی از تاکتیک‌های عملیات روانی تصدیق است، بدین معنی که شخص یا اشخاصی که مورد احترام و اعتماد مردم هستند بگویند برنامه یا فردی مورد تأیید یا خوب است. معاویه برای فریب افکار عمومی از این تاکتیک به طرز شیطنت‌آمیزی بهره جست. در شرح نهج البلاغه چنین آمده است: «معاویه روزی بر سر خلافت اسلامی با دیگران منازعه کرد و خود را به دلیل مسن تر بودن برای حکومت شایسته‌تر دانست؛ سپس جمعی از بزرگان و پیروان که در اطراف او جمع شده بودند همچون عمروعاص، مغیره بن شعبه و ابوهریره دوسی نظرات او را تأیید کردند» (شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۳). کارآمدی این تاکتیک را معاویه از حادثه ننگین سقیفه بنی ساعده تجربه کرده بود.

۱۱-۲) **ترور شخصیت**^۲: یکی از تاکتیک‌هایی که در شام طراحی و با ظرافت اجرا شد ترور شخصیت بود. ترور شخصیت یکی از مؤثرترین شیوه‌های عملیات روانی و دارای قدمت دیرینه است؛ در این تاکتیک از همه هنرها استفاده می‌شود تا شخصیت فرد را تخریب کنند. در ترور شخصیت از روش‌هایی همچون بزرگ‌نمایی، ایمن‌سازی و انسان‌زدایی استفاده می‌کنند و در چارچوب طنز، شعر و کاریکاتور ... بهره می‌گیرند تا افراد را از ذهن جامعه حذف یا ناشایست جلوه دهند. معاویه از این تاکتیک در راستای تخریب شخصیت حضرت علی (ع) استفاده کرد و مدت‌ها خطبا و وعظ را موظف نمود که در منبر، سب امام را کنند. در این واقعه افرادی را مأمور کرد که این حرکت را انجام دهند. در تاریخ آمده است: «سلیمان بن صرد که بزرگ و رئیس اهل عراق بود و در جریان صلح در کوفه حضور نداشت، نزد امام حسن (ع) آمد، چون بر حسن وارد شد گفت: سلام بر تو ای خوارکننده مؤمنین» (الدینوری، ۱۳۸۸، ص ۱۵۱).

۱۲-۲) **تحریف**^۳: یکی از تاکتیک‌هایی که همواره در طول تاریخ توسط جبهه کفر، شرک و نفاق برای شکست جبهه حق به کار گرفته شده است تاکتیک تحریف می‌باشد. صاحب‌نظران این مکتب از این تاکتیک تعاریف متعددی ارائه نموده‌اند که به یک تعریف اشاره و سپس به شیوه به کارگیری معاویه از این تاکتیک اشاره می‌شود. تحریف عبارت است از قلب واقعیات و انحراف اذهان عمومی

از حق به باطل و بازی با حقایق مسلم و دگرگون جلوه دادن مسائل (سپاه، ۱۳۷۳، ص ۵۰) سپاه شام برای همراهی مردم با اهداف شیطانی خود از تحریف به بهترین شکل استفاده کرد. معاویه از همان ابتدای حکومت بر شام، افرادی را استخدام کرده بود که با نقل احادیث جعلی از پیامبر، افکار مردم را به سوی اهداف مورد نظر سوق دهند. ابن ابی الحدید می‌نویسد: «شیخ ما ابو جعفر اسکافی گفت: معاویه عده‌ای از صحابه و عده‌ای از تابعین را بر نقل خبرهای ناپسند که موجب لعن و بیزاری بود در باره علی (ع) وادار ساخت و برای آنان پاداشی قابل ملاحظه قرار داد و آنان آنچه مایه خشنودی او می‌شد می‌ساختند. از جمله این افراد ابوهریره، عمروعاص و مغیره بن شعبه و از تابعین عروه بن زبیر بودند (ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۳۵۸). استفاده معاویه از این تاکتیک پس از انعقاد قرارداد صلح افزایش چشم‌گیری یافت.

۱۳-۳ تفرقه^۱: یکی از تاکتیک‌های مهم دیگر که سپاه شام در تحمیل صلح به امام حسن (ع) از آن استفاده کرد تفرقه بود. شامیان در طراحی و به کارگیری این تاکتیک تجربه و تبحر زیادی داشتند. تفرقه عبارت است از گسستگی در میان آحاد یک ملت برای ایجاد شرایط بحرانی به خاطر پراکنده نمودن تفکر ملت و به هدر دادن انرژی مثبت و سازنده (سپاه، ۱۳۷۳، ص ۵۱). معاویه چند ظرفیت مناسب در به کارگیری این تاکتیک داشت از جمله قبایل مختلفی که سپاه امام را شکل داده بودند، بیت‌المال زیادی که برای خرید افراد در اختیار داشت، قدرت و سرعتی که در فتنه‌انگیزی داشت و سرانجام افراد شیطان‌صفتی همچون مغیره، عمروعاص و زیادبن عبید رومی که در طراحی چنین تاکتیک‌هایی بی‌نظیر بودند به معاویه این فرصت را داد که در کم‌ترین زمان سپاه امام حسن (ع) را به لشکری متواری، وحشت‌زده، متزلزل و مأیوس تبدیل کند. البته از این تاکتیک در جریان سقیفه بنی ساعده به شکل پیچیده و ظریف استفاده شده بود.

۱۴-۲ شایعات^۲: شایعه عبارت است از: انتقال پیام به نسبت غیر واقعی از طریق شفاهی در زمانی اندک که با هدف تأثیر بر افکار عمومی در راستای مقاصد سیاسی مطرح می‌شود (آشتیانی، ۱۳۸۲). به عبارت دیگر شایعه عبارت است از ادعایی مشخص که برای برانگیختن باور مخاطبین به کار می‌رود و دهان به دهان به افراد منتقل می‌گردد و فاقد پشتوانه مطمئن برای ارائه کردن است (سپاه پاسداران، ۱۳۷۳، ص ۴۵). در جای دیگر آمده است که شایعه یک گزاره - موضوع خاص گمانی بدون وجود ملاک‌های اطمینان‌بخش رسیدگی است که به طور معمول به صورت شفاهی از فردی به فرد دیگر انتقال می‌یابد (هرمز، ۱۳۶۲، ص ۹). در زمان جنگ‌های نظامی شایعات سه دسته هستند و دارای سه کاربرد می‌باشند:

الف) شایعات تفرقه‌افکن: در این نوع شایعه تلاش بر این است که در مواضع دشمن شکاف ایجاد

1. Disunion 2. Rumor

شود و با اظهار تشنجات و چالش‌های بین افراد دشمن، آنها ضعیف شوند. این نوع شایعه در بازی‌های سیاسی کاربردی وسیع دارد.

(ب) **شایعات هراس‌آور:** در این نوع شایعه با اعلام کشته‌های وسیع و پخش آن در بین نیروهای دشمن می‌توان ناامیدی را در بین آنها افزایش داده و آنها را ضعیف کرد.

(ج) **شایعات امیدبخش:** این نوع شایعات باعث ایجاد روحیه و انسجام در بین نیروهای خودی شده و کاربردی وسیع دارد. شامیان برای دستیابی به اهداف شوم خود در یک حرکت مستمر و مداوم و طبق یک برنامه هماهنگ و منسجم در مقاطع مختلف، از روش اول و دوم این تاکتیک برای اختلال در صفوف لشکر امام حسن (ع) و از روش دوم برای ارتقای روحیه سپاه خود استفاده کردند. معاویه دستاورد و نتیجه این تاکتیک را در جنگ احد به دست آورده بود؛ هنگامی که شایعه شهادت پیامبر (ص) در سپاه اسلام منتشر شد و ساختار و نظم سپاه اسلام متلاشی و منجر به پیروزی بنی امیه در آن جنگ شد بنابراین همواره در نظر داشت تا با اجرای این تاکتیک برنده میدان نبرد، بدون خونریزی باشد؛ بر این اساس با شناختی که نسبت به روحیات متزلزل سپاه امام حسن (ع) داشت همواره افراد خبره و کیاسی را مأمور به اجرای این تاکتیک می‌کرد. معاویه در استفاده از این تاکتیک سه هدف اساسی تقویت روحیه نیروهای خودی، حذف سربازان لشکر امام حسن (ع) و القای شک و تردید در روحیه فرماندهان و خواص امام را دنبال می‌نمود. در ادامه، هم‌زمان با استقرار سپاه تحت فرماندهی عبدالله عباس در اردوگاه مسکن^۱ شایعه شروع مذاکرات صلح امام حسن (ع) و معاویه به سرعت تمام اردوگاه را فرا گرفت به صورتی که در مدتی کوتاه در سراسر اردوگاه بلوا و آشوب شکل گرفت و به سرعت روحیه سپاهیان حضرت را متزلزل نمود. این شایعه چنان تأثیرگذار بود که در تاریخ آورده‌اند: «عبدالله ساعتی تنها مانده و در زیر خیمه خود که از غوغای جمعیت دور بود به فکر فرو رفت... ناگهان واقعیتهای تلخ در برابرش نمایان شد...» (شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۵). در تاریخ آمده است معاویه مغیره بن شعبه، عبدالله بن کریز و عبدالرحمان بن ام‌الحکم را نزد امام حسن (ع) فرستاد - چون از نزد امام خارج می‌شدند چنانکه مردم بشنوند با خود می‌گفتند خدا به دست پسر پیامبر خون‌ها را حفظ کرد و فتنه را فرو ریخت... و صلح را پذیرا شد. با سخنان فتنه‌انگیز این سه فرد شیطان‌صفت، لشکر متشنج شد. این شایعه به صورتی دقیق و ظریف طراحی و اجراء شد که کسی در راستگویی آنان شک نکرد و سپاه بر امام حسن (ع) شوریدند (یعقوبی، ۱۳۶۲). در جای دیگر آمده است معاویه کسانی را به لشکر امام (ع) فرستاد و شایعه کردند که قیس با معاویه صلح کرده است (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۵، ص ۲۸۶). در جای دیگر آورده‌اند کسانی را در بین لشکریان قیس فرستاد تا شایعه کنند که امام حسن (ع) صلح را پذیرفت (همان، ۲۸۷).

۱. مسکن نام بخش و قریه‌ای سرسبز و پرناغ و درخت در بر ساحل نهر "دجیل" است.

۱۵-۲) دروغ بزرگ: دروغ بزرگ عبارت است از: بیان پیامی که به هیچ وجه واقعیت ندارد و مدام بر طبل تکرار می‌کوبند تا ذهن مخاطب آن را جذب کند (آزادی‌خواه، ۱۳۸۸، ص ۱۳۲). در تعریفی دیگر آمده است: دروغ بزرگ کوشش می‌کند مخاطب و سوژه مورد نظر را در یک فضای روانی مخالف با آنچه هست (واقعیت) سوق دهد. این فضای روانی باید به گونه‌ای ساخته شود تا مفاهیم و علائم انتقالی بدون مقاومت مورد پذیرش قرار گیرد. بنابراین طراحان این تاکتیک باید از تلاش مضاعف و زیرکی خاص برخوردار باشند تا موفق به اجرای این تاکتیک شوند و روان مخاطب یا مخاطبین هدف را مورد تهاجم قرار داده و به نتیجه دلخواه سوق دهند. این تاکتیک از «روش‌ها و شیوه‌هایی چون برچسب زدن، تغییر جبهه، استفاده از آرایه ابهام و انتقال بهره می‌گیرد» (متفکر، ۱۳۸۱).

۱۶-۲) مبالغه: از دیگر تاکتیک‌های مورد استفاده شامیان در این واقعه، تاکتیک مبالغه بود و این تاکتیکی بود که خلیفه اول در واقعه سقیفه از آن بهره گرفت؛ وقتی یکی از نزدیکان خلیفه از او علت پذیرش این مسئولیت را جویا می‌شود در جواب گفت من از همه مسن تر بودم. معاویه نیز در نامه‌ای به امام مجتبی (ع) از همان تاکتیک مبالغه استفاده می‌کرد و نوشت: «من در حکومت از تو با سابقه‌تر و در این امر آزموده‌تر و به سال از تو بزرگ‌ترم همین و دیگر هیچ...» (شرح نهج البلاغه، ۱۳ و ۴). نظر به اینکه معاویه مردی دنیاطلب و از جنگ و خون‌ریزی و مرگ به شدت بیزار بود و همواره در نظر داشت که برنده بدون جنگ میدان کارزار باشد، اما با شناختی که به تأثیر تاکتیک‌های عملیات روانی به خصوص مبالغه داشت در جواب به فرستادگان امام حسن (ع)، جنبد بن عبدالله ازدی و حرث بن سوید تیمی، گفت: «برگردید! میان ما و شما به جزء شمشیر نیست» (شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۲).

۱۷-۲) فریب: یکی دیگر از تاکتیک‌های عملیات روانی فریب است "هلت" و "دی وندی" معتقدند این تاکتیک تلاشی است تا شنونده را به ساختن محیط روانی خاصی وادار کند که با محیط مادی و واقعی فرق دارد. در روان‌شناسی نیز تاکتیک فریب تلاش در برانگیختن درک نادرست را دارد (هلت و وندی، ۱۹۶۰، ص ۳۳). تاکتیک فریب چنان در میان جامعه تحت حکومت امام حسن (ع) مؤثر افتاد که نوشته‌اند: «خیانت، فتنه‌انگیزی و آشوب رواج برق‌آسایی داشت حتی کسانی که با امام (ع) بیعت جنگ بسته بودند (خوارج) امام را متهم به کفر کردند تا زمینه کشتن امام را فراهم کنند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۵، صص ۳۰۰-۳۰۵).

نتیجه‌گیری

پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) مشرکین، کفار و منافقینی که از ناحیه رسالت آن پیامبر الهی آسیب جدی دیده بودند؛ نقاب از چهره کنار زدند و با تمام قدرت و توان برای جبران خسارات و بازگرداندن

جامعه به مسیر جهالت و گمراهی از تمام ظرفیت‌های خود استفاده کردند. در این فرایند نظر به وضعیت روحی و روانی جامعه آن دوران از ابزارها و روش‌های متفاوتی بهره جستند. یکی از راهبردهای مورد استفاده در این حرکت برای دستیابی به اهداف پلید مورد نظرشان بهره‌گیری از تاکتیک‌های عملیات روانی بود؛ طراحان و مجریان این حرکت با بهره‌گیری از تجارب سیاستمدارانی همچون عمرو العاص و شعبه،... و دیگر افرادی که در تدوین و اجرای این اقدامات سرآمد مردم روزگار خود بودند؛ در یک اقدام ظریف، پیچیده و کارشناسی شده، چنان مسیر سعادت و رستگاری جامعه را تغییر دادند که انسان‌هایی همچون عبدالله ابن عمر، سعد ابن ابی وقاص، اسامه ابن زید، محمد بن مسلمه، قدامه مطنون، عبدالله سلام، حسان بن ثابت، ابوسعید خدری، زید بن ثابت، نعمان بن بشیر و دیگر افراد شاخصی که تاریخ اسمشان را در دفتر خود به ثبت رسانده است چنان دچار شک و تردید شدند که از تمام صحنه‌های سیاسی جهان اسلام در آن مقطع کناره‌گیری کردند. جبهه کفر، شرک و نفاق از تاکتیک‌های عملیات روانی بر علیه خط ولایت و امامت چنان دقیق و حساب شده استفاده کردند که علاوه بر انزوای خواص از صحنه سیاسی، عوام جامعه اهل بیت پیامبر اسلام (ص) را پس از رحلت ایشان خانه‌نشین کردند و کار را به جایی رساندند که چهاردهه پس از رحلت پیامبر اسلام (ص)، جانشین بر حق آن حضرت را که خودشان در حجه الوداع سخن سخن گفته بودند بر منبرها سب نمودند. این جبهه با کیاست، خبثت و شیطنتی که داشت با به کارگیری بعضی از تاکتیک‌های عملیات روانی همچون تطمیع، تهدید، تشجیع، تحریک، تصدیق، تخدیر، ترور شخصیت، دروغ بزرگ، برچسب زدن، شایعه و... توانست ارزش‌های الهی را که پیامبر اکرم (ص) با مشقت زیاد در جامعه نهادینه کرده بود حذف کند و مردم را دوباره در جهالت و گمراهی قرار دهد؛ احکام الهی را که ضامن سعادت بشریت بود به ترفندهای خاص از جامعه محو کند؛ مردم را سرگرم عبادات بی محتوا کند؛ محور سعادت، کمال و رستگاری جامعه اسلامی یعنی امامت و ولایت را با زیرکی و شگردی خاص از جامعه اسلامی حذف کند و مسیر سعادت بشریت را که پیامبر (ص) در عید سعید غدیر خم به بشریت اعطا نمود مسدود کند؛ با رفتارهای شیطانی خود در احکام اسلام تحریفات و بدعت‌ها ایجاد کند و هزاران اقدام شیطانی دیگر. با بررسی اجمالی وقایع و حوادث آن دوران به خصوص، حوادث دوران امام حسن (ع) این واقعیت استنباط می‌شود که زمینه‌ساز همه این حرکات و اقدامات ناپسند و ناگوار و حوادث تلخ، ایمان سطحی، بی‌بصیرتی، عدم شناخت و معرفت، دنیازدگی، ترس از مرگ و... خواص و عوام آن دوران بود. بر اساس این رفتار زشت و ناپسند و جاهلانۀ مقدسان متحجر امت اسلامی بود که حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «وَ نَاطِرٌ قَلْبِ اللَّيْبِ بِهِ يُبْصِرُ أَمَدَهُ، وَ يَعْرِفُ غَوْرَةَ وَ نَجْدَهُ، دَاعٍ دَعَا عَاقِلٌ بَا چشَمِ دَلِّ سِرَانِجَامِ كَارٍ رَا مِي نَكْرَدُ وَ پَسْتِي وَ بَلَنْدِي آن رَا تَشْخِيصِ مِي دَهْدُ»

(نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳، فراز اول). در جای دیگر می‌فرمایند: «فَالنَّاطِرُ بِالْقَلْبِ الْعَامِلُ بِالْبَصْرِ يَكُونُ مُبْتَدَأَ عَمَلِهِ أَنْ يَعْلَمَ، أَعْمَلُهُ عَلَيْهِ أَمْ لَهُ؟ فَإِنْ كَانَ لَهُ مَضَى فِيهِ، وَإِنْ كَانَ عَلَيْهِ وَقَفَ عَنْهُ» خردمندی که به دیده دل می‌نگرد و از روی بصیرت کار می‌کند، در آغاز، باید بداند که آنچه می‌کند به زیان اوست یا به سود او. اگر به سود او بود، همچنانث پی‌گیرد و اگر به زیان او بود از انجام آن باز ایستد (همان، فراز چهارم). همچنین در جای دیگر می‌فرمایند: «سَبِيلُ أُلْبُجِ الْمُنْهَاجِ، أَنْوَرُ السَّرَاجِ، فَبِالْإِيمَانِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ، وَبِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ، وَبِالْإِيمَانِ يُعْمَرُ الْعِلْمُ» ایمان راهی است روشن و واضح، با چراغی پرتوافکن. به ایمان است که به کارهای نیکو راه توان بُرد و به کارهای نیکوست که ایمان را توان دانست. ایمان، سبب آبادانی علم است (همان، خطبه ۱۵۵، فراز اول). براساس همین عملکرد جاهلانه بود که امام سجاد(ع) در دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه فرمودند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَرَّفَهُمْ مَا يَعْجَلُونَ، وَعَلَّمَهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَبَصَّرَهُمْ مَا لَا يُبْصِرُونَ» خدایا بر محمد و آل او درود فرست و رزمندگان اسلام را به آنچه مطلع نیستند مطلعشان گردان و به آنها آنچه را که نمی‌دانند بیاموز و به آنچه بصیرت ندارند بصیرت عطا کن (صحیفه، دعای ۲۷، فراز ۵). نظر به نقشی که تاکتیک‌های عملیات روانی در طول تاریخ در انحراف مسیر بشریت داشته، نظام سیاسی جمهوری اسلامی به منظور خنثی نمودن این تاکتیک‌ها باید از تمام ظرفیت‌های خود برای اجرای این فرمان امام سجاد(ع) بهره‌برد. تا از شکل‌گیری آن حوادث ناگوار جلوگیری نموده و دشمنان اسلام و انقلاب را در دستیابی به اهداف پلیدشان ناکام گذارد. ♦

منابع

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای.
- آل‌یاسن، رضی (۱۳۶۵)؛ صلح امام حسن؛ (مترجم امام خامنه‌ای)؛ تهران: انتشارات آسیا، چاپ یازدهم.
- آریان‌پور، منوچهر و عباس (۱۳۸۱)؛ فرهنگ انگلیسی به فارسی؛ تهران: انتشارات امیرکبیر.
- آزادی‌خواه، علیرضا (۱۳۸۸)؛ جنگ نرم با تأکید بر نقش رسانه؛ فصلنامه عملیات روانی، ش ۲۳۶.
- الدینوری، ابن محمد عبدالله ابن مسلم (ابن قتیبه) (۱۳۸۸)؛ الامامه والسیاسه؛ مصر: شرکت المکتبه مصطفی البابی.
- الهمدانی احمدبن محمدبن سعیدبن عبدالرحمن السبیبی؛ صلح الحسن و معاویه؛ ۳۳۳ هجری.
- الهاشمی، عبدالرحمن بن کثیر، صلح الحسن علیه السلام.
- الثقفی، ابراهیم‌بن محمدبن سعیدبن هلال‌بن عاصم‌بن سعدبن مسعود ۲۸۳ هق، قیام الحسن علیه السلام.
- الجواد البصری، ابن العزیز بن یحیی، ماجرای حسن علیه السلام.

- النعلبی، هشتم بن عدی، اخبار الحسن علیه السلام و وفاته، ۲۰۷ هجری.
- الاصفهانی الثقفی، ابی اسحاق ابراهیم بن محمد، اخبار الحسن بن علی علیه السلام.
- چگینی، حسن (۱۳۷۴)؛ طرح‌ریزی استراتژیک نظامی و برنامه‌ریزی دفاعی؛ تهران: انتشارات دانشگاه دفاع ملی.
- شهلایی، ناصر (۱۳۸۵)؛ مدیریت استراتژیک در نیروهای مسلح، تهران ارتش جمهوری اسلامی، انتشارات دافوس.
- شیرازی، محمد (۱۳۷۶)؛ جنگ روانی و تبلیغات، مفاهیم و کارکردها؛ تهران: انتشارات نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- طائب، مهدی (۱۳۸۸)؛ سیری در عملیات روانی در اسلام؛ فصلنامه عملیات روانی، شماره ۲۳.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۶۳)؛ تاریخ طبری، (ترجمه: ابوالقاسم پاینده)؛ تهران: انتشارات اساطیر.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹)؛ مفاتیح الجنان، (ترجمه الهی قمشه‌ای)؛ نشر محمد.
- فیض الاسلام، سیدعلی نقی (۱۳۶۵)؛ شرح نهج البلاغه؛ انتشارات فقیه.
- غروی، محسن و همکاران (۱۳۸۱)؛ ترجمه صحیفه سجاده؛ قم: الهادی.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹)؛ ترجمه نهج البلاغه؛ قم: لاهیجی.
- رستمی، محمود (۱۳۸۶)؛ فرهنگ واژه‌های نظامی؛ تهران: انتشارات ایران سبز.
- کالینزجان، ام (۱۳۷۰)؛ استراتژی بزرگ، (ترجمه: کورش بایندر)؛ تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۶۹)؛ فرهنگ علوم سیاسی؛ تهران: شرکت نشر ویس، ج ۲.
- محمدنژاد، میرعلی و محمدتقی نوروزی (۱۳۷۸)؛ فرهنگ استراتژی؛ تهران: نشر سنا.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)؛ بحارالانوار؛ بیروت: انتشارات دارالحیاء.
- متفکر، حسین (۱۳۸۱)؛ عملیات روانی؛ تهران: اداره روابط عمومی و انتشارات سپاه.
- مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های عملیات روانی و چگونگی شکل‌گیری آن؛ تهران: انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰.
- یعقوبی احمدابی یعقوب (۱۳۶۲)؛ تاریخ یعقوبی؛ (ترجمه: محمد ابراهیم آیتی)؛ تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

- Roert T.Holt and-Roert W.Vande."str ategic psychological operations."(Chicago: Chicago university press.1960)

- BMLy.Grundsätze psychologischen Kriegführung.wien 1965

- CH. ID 2002.. AJD. NATO.. 8. Psychological Operations Doctrine Joint Chiefs of staff-33

- MC. Quail Denis "sociology of Mass Communication"(Penguin Books 1972